خبر

مدیرعامل بانک شهر:

«شهر آفتاب» و فروشگاه «شهروند» را می‌فروشیم

شهروند| مدیرعامل بانک شهر می‌گوید: «قول می‌دهم بعد از دریافت فروشگاه شهروند و مجموعه شهر آفتاب آن را با فرمولی که مدنظر دارم به فروش برسانم. ازجمله این‌که خودمان در بانک شهر به خریدار فروشگاه شهروند و مجموعه شهر آفتاب از منابع بانک شهر وام پرداخت می‌کنیم تا توان مالی خرید این دو مجموعه را داشته باشد.»

اگرچه کشمکش بر سر واگذاری فروشگاه شهروند و بانک شهر در ماه‌های گذشته در شورا وجود داشت وحتی یک‌بار هم لایحه آن در ماه‌های گذشته رد شده بود اما اوایل هفته جاری، این دو مجموعه در مقابل مطالبات، با مجوز رسمی شورا در جلسه غیرعلنی به بانک شهر داده شد. از آن روز تا به حال اعضای مخالف شورا با این مصوبه همچنان نسبت به واگذاری‌ها اعتراض دارند چراکه معتقدند که «این واگذاری‌ها با ترک تشریفات قانونی صورت گرفته در حالی که برای این گونه واگذاری‌ها باید مزایده برگزار شود تا همه سرمایه‌گذاران شانس سرمایه‌گذاری روی آن را داشته باشند. حالا مدیرعامل بانک شهر و معاون اقتصادی شهردار تهران به فاصله دو روز نشست و تورهای مفصلی با خبرنگاران برگزار کردند تا توضیحات خود را در این باره ارایه دهند. حسین پورزرندی در نشست روز گذشته خود درباره دلایل واگذاری این دو مجموعه به بانک شهر می‌گوید: «شهرداری منابع مالی لازم برای بازپرداخت مطالبات بانک شهر را ندارد و به بانک شهر اعلام کرده به جای مطالبات، ملک دریافت کنیم و این دو مجموعه را پیشنهاد داده‌اند.» یکی از انتقادات وارد به واگذاری‌ها این است که در اختیار گرفتن فروشگاه شهروند و مجموعه شهر آفتاب عملا نوعی بنگاهداری از سوی بانک شهر و مغایر با اهداف نظام بانکی و مقررات بانک مرکزی است. البته پورزرندی در این باره می‌گوید: «به دنبال بنگاهداری نیستیم. بانک شهر به دنبال مطالبات خود است. ما به شهرداری گفته‌ایم شما فروشگاه شهروند و شهر آفتاب را بفروشید و پول آن را به ما بپردازید. اما با توجه به قیمت بالای این دو مجموعه در حال حاضر امکان فروش آن وجود ندارد.» معاون مالی شهردار هم در شب گردی که سه‌شنبه‌شب با اصحاب رسانه برگزار کرده بود گفته: «شهرداری تهران برای ساخت مترو، بزرگراه و... مجبور شده که از بانک‌های مختلف وام دریافت کند که بر همین اساس تهاتر شهر آفتاب و شهروند را در قالب یک لایحه تقدیم شورا کرده است. این فروشگاه به دلیل این که برای شهرداری تهران بود، اجازه توسعه در سایر شهرها و استان‌ها را نداشت و با وجود آنچه هر روز یک فروشگاه در کشور ایجاد می‌شود، حیات آن با دغدغه و مشکل مواجه شده بود به همین دلیل پیشنهاد شد ۶۰درصد از سهام این فروشگاه به بانک شهر به‌عنوان بخش خصوصی واگذار شود تا علاوه بر این که این فروشگاه بتواند در سایر استان‌ها نیز گسترش یابد، در بورس نیز وارد شود که خوشبختانه شورای شهر تهران کلیات واگذاری را تصویب کرده اما در خصوص نحوه واگذاری و دیگر شرایط آن قرار است دو ماه بررسی تخصصی صورت گیرد.»

او در پاسخ به این که چرا واگذاری به بانک شهر صورت می‌گیرد، گفت: «مدت‌هاست که موضوع واگذاری بخشی از سهام این فروشگاه مورد بحث است و متاسفانه هیچ سازمانی به غیر از بانک شهر اعلام آمادگی نکرده است. شهرداری معطل عددی که از محل فروش شهروند به دست می‌آید نیست بلکه هدف نهایی شهرداری توسعه شهروند در استان‌های دیگر است.» گودرزی درخصوص واگذاری صددرصدی شهر آفتاب هم گفت: «قبل از کلنگ‌زنی شهر آفتاب، شهرداری از سرمایه‌گذاران زیادی دعوت کرد که در این پروژه ملی او را همراه کنند اما هیچ‌کس مایل نبود اما سرانجام به دلیل فشارهای متعدد که لازم است نمایشگاهی بزرگ در حاشیه تهران ایجاد شود تا بار ترافیکی از مرکز شهر برداشته شود، شهرداری تهران فاز اول ساخت این نمایشگاه را آغاز کرد اما باید برای تکمیل فاز دو و سه و نگهداشت این پروژه بزرگ حتما بخش خصوصی وارد می‌شد.» البته در گفته‌های این دو مقام مسئول کمی تناقض دیده می‌شود چون از یک سو مدعی هستند که در واگذاری‌های شهرداری معطل پول شهروند نیست و هدف نهایی توسعه آن است از سوی دیگر از واگذاری این دو مجموعه به دلیل مطالبات بانک شهر از شهرداری سخن می‌گویند آن هم در حالی که مدیرعامل بانک شهر گفته است می‌خواهند این دو مجموعه را بفروشند.

اهدای شیر سنگی به موزه مشروطیت

شهروند| «شیر سنگی» قاجاری به موزه مشروطه استان چهارمحال و بختیاری اهدا شد.

براساس اعلام روابط عمومی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری چهارمحال و بختیاری، مصطفی هادی‌پور معاون میراث فرهنگی این استان از اهدا شدن شیر سنگی قاجاری به موزه مشروطیت این استان خبر داد و گفت: «این اثر تاریخی توسط ورثه مرحوم عیدی عالی‌ور، فرزند سلطان به این اداره کل جهت استفاده در موزه مشروطه واقع در مجموعه تاریخی و فرهنگی جونقان اهدا شد.» هادی‌پور با بیان این که «شیر سنگی در بختیاری به تنهایی نماد شجاعت، غیرتمندی و بی‌باکی و زورمندی نیست، بلکه با تکیه بر پیشینه غنی ایرانیان و اقرار به شیعه علی(ع) آن شیر خدا و شیر بیشه ایمان و پهلوان همه دوران‌ها بودن» اظهار کرد: حفظ و حراست از آثار تاریخی یکی از مهم‌ترین وظایف این اداره کل است که همکاری مردم را هم در این راستا می‌طلبد.

گزارشی از زندگی سالمندان ارمنی در محوطه کلیسای تاریخی تهران

همسایه‌های فراموش شده گئورگ

عکس: نسیم اعتمادی / شهروند

نیره خادمی| سنگ قبرهای مرمر روی دیوار راهروی چپ چسبانده شده‌اند، روی هر کدام از آنها نام یکی از معلمان ارمنی یا سفیران که در این‌جا درس خوانده‌اند به ارمنی حک شده و در کنار این راهرو، کلیسایی است که «گئورگ» نام دارد. از اینجاست که حیاط دو قسمت می‌شود، محوطه ساختمانی که قبل از رسیدن به راهرو است و دیگری بعد از آن، با اتاق‌هایی روشن. در مجموعه این دو ساختمان ۱۵ سالمند ارمنی با کمک انجمن خیریه بانوان نگهداری می‌شوند، اما حکایت معلمانی که در این‌جا درس داده‌اند و سفیرانی که درس گرفته‌اند به زمانی برمی‌گردد که هنوز جنگ جهانی دوم اتفاق نیفتاده بود. تا قبل از آن جنگ ۶ساله میان دو گروه متفقین و متحدین که کشته‌های آن ۵۰ تا ۷۰میلیون نفر تخمین زده می‌شود، اتاق‌های کنار کلیسای تاریخی گئورگ کلاس درس بود. اما آوارگی مردم جنگ‌زده، کلاس‌های درس را تعطیل کرد و این‌جا شد پناهگاه آوارگان. سال‌ها که گذشت خانواده‌ها خانه گرفتند و کسانی که تنها بودند، ماندگار شدند، آن‌وقت بود که کلاس‌های درس و پناهگاه آوارگان به خانه سالمندان تغییر ماهیت داد و بعد در سال ۱۳۲۹ با حمایت‌های انجمن خیریه بانوان به سرای سالمندان تبدیل شد. حالا، شاید باید این‌جا باشی تا تنهایی خاطره‌های فراموش شده را در این خانه ببینی؛ رنجی که با تمام خوبی‌ها و کمک‌های مسئولان خیریه، قطره کوچک اشکی است روی گونه‌های آنها.

زن زیبایی که دست بر شانه همسرش در یک قاب کوچک جای گرفته، حالا در ۹۰سالگی هر روز فراموش می‌کند که آیا این هفته پسرش به دیدارش آمده یا نه؟ از تمام خاطره‌های او، تنها سایه‌ای در پشت یک قاب باقی مانده. کتاب مقدس روی تخت ورق خورده و باز است و عکس تمثال حضرت مسیح هم روی آن. تیله روشن چشم‌هایش را به سمت عکس می‌چرخاند و با لبخند تکرار می‌کند: «زیبا، زیبا» اما همان روبه‌رو «وارتوش» خیره به او، حتی به خاطر آوردن اسم و رسمش را هم از یاد برده و فقط زمزمه می‌کند و دو دست لاغر و سفیدش را به نشانه تأکید بر حرف‌هایش به هم می‌کوبد: «تحصیلات، تحصیلات»؛ همین یک واژه واضح است. اهالی سرای سالمندان می‌گویند تحصیلات خوبی داشته و احتمالا به دانشگاه رفته، یعنی تا همین جا می‌دانند که او از خانواده‌ای اشراف‌زاده بوده است اما حالا نه کسی را دارد و نه حتی نام و نشانی.

گربه‌ها زیر نور آفتاب، روی نیمکت‌های حیاط دراز به دراز خوابیده‌اند و این روبه‌رو «آریس» نشسته روی نیمکت. چشم‌هایش را جمع کرده، از دور گربه‌ها را می‌پاید و قطره اشکی هم قل خورده پای چشم‌هایش. شاید کارایی آن دستمال خیس که روی لبه نیمکت پهن کرده و هر چند دقیقه یک‌بار با وسواس جابه‌جایش می‌کند، خشک کردن همین قطره‌های بی‌رنگ است که روی گونه‌هایش نشسته. نه او و نه برادرش هیچ‌وقت ازدواج نکرده‌اند.

بیش از ۱۰ سال قبل با برادر دوقلویش به این‌جا آمده‌اند، اما برادرش ۴ سال پیش فوت کرد. یک خواهر هم دارد که همراه همسر و فرزندانش در لس‌آنجلس آمریکا زندگی می‌کند. کم‌شنوا و کم‌بیناست، طوری که باید حرفت را در اندازه‌های حروف بزرگ روی کاغذ بنویسی تا کلمات را با کلی زحمت بخواند و بعد به هم بچسباند تا جمله شود: «یک کلاس ارمنی، یک کلاس روسی و ۵ کلاس فارسی، تمام سواد من همینه.» اینها را با لهجه غلیظ ارمنی می‌گوید. به قول خودش از زمانی که حروف الفبا را شناخته شعر خوانده «صدبار بدی کردی و دیدی ثمرش را، خوبی چه بدی داشت که یک‌بار نکردی». لحظه‌ای بعد از خواندن این بیت دستش را در ته جیبش می‌برد و یک عدسی شیشه‌ای را جلوی صورتش می‌گیرد: «عینکم شکسته و از آن فقط این شیشه مانده، من به یک عینک احتیاج دارم، بی‌عینک نمی‌توانم کتاب بخوانم.» تقریبا از میان تمام پیرمردانی که این‌جا هستند بیشتر خاطره‌ها را به یاد دارد، از هیتلر اتریشی حرف می‌زند که صدر اعظم آلمان شد و جنگی که به راه انداخته بود. از نسل‌کشی ارامنه می‌گوید که دولت عثمانی دستور داد که ارامنه را قتل‌عام کنند اما دلیل آن تا امروز مشخص نشده است.

بر دیوار سرای سالمندان یکی از ساقموس‌های کتاب مقدس به زبان ارمنی روی تابلوی سنگی حک شده. عمو «مارتیک» کمی آن طرف‌تر روی صندلی نشسته و پشت سر هم به زبان ارمنی جمله‌ها را از کلمه‌ها پر می‌کند. مددکار جلویش می‌رود و می‌گوید: «چی شده؟» اما «مارتیک» اصلا هیچ توجهی ندارد و به کار خود در جمله ساختن ادامه می‌دهد؛ جمله‌هایی که فقط خودش می‌داند چیست.

آناهید زرگریان که عضو انجمن خیریه بانوان ارامنه است، درباره آمار کلی سالمندانی که از زمان تأسیس سرای سالمندان تاکنون در این مرکز پذیرش شده‌اند، می‌گوید: «نمی‌توانیم بگوییم از ابتدا کلا چند نفر در این مرکز پذیرش شده‌اند. اغلب این سالمندان از زمانی که در این مرکز پذیرش می‌شوند تا آخر عمرشان این‌جا هستند چون کسی را ندارند که آنها را ببرد. در این ۷۰سالی که مرکز راه‌اندازی شده تعداد زیادی از سالمندان ارمنی در این مرکز زندگی کرده‌اند و از دنیا رفته‌اند.»

ساختمان این خانه سالمندان که در انتهای بازارچه طرخانی میدان شاپور تهران قرار دارد، تاریخچه جالبی هم دارد که زرگریان درباره آن توضیح می‌دهد: «این اتاق‌ها که حالا سالمندان در آن زندگی می‌کنند تا قبل از سال ۱۳۲۲ کلاس درس بوده است. قبرهایی که روی دیوارها دیده می‌شود، مربوط به معلم‌هایی است که در این‌جا درس داده‌اند یا سفیرانی که در این‌جا درس می‌خوانده‌اند. قبل از جنگ جهانی دوم در این کلاس‌ها جز به زبان ارمنی، زبان روسی، انگلیسی و فرانسه درس می‌دادند چون در داخل شهر، کلاس‌های این‌چنینی هم نبوده است و بیشتر سفیرها هم بچه‌هایشان را می‌فرستادند تا در این‌جا درس بخوانند.»

زرگریان به سرگذشت این کلاس‌های درس بعد از جنگ جهانی دوم اشاره می‌کند: «جنگ جهانی دوم که شروع شد، مردمی که آواره شده بودند به تهران می‌آمدند، بنابراین کلاس‌های درس تعطیل شد و به‌عنوان پناهگاه مورد استفاده قرار گرفت. اما بعدتر کسانی که خانوادگی به این‌جا آمده بودند به مکان‌های دیگری که ساخته شد، رفتند و افرادی که تنها بودند همین جا ماندگار شدند. با گذشت زمان این ساختمان و اتاق‌هایش خودبه‌خود تبدیل به سرای سالمندان شد. از سال ۱۳۲۹ هم انجمن خیریه بانوان که اکنون صدویازدهمین سال تأسیس آن است، این افراد را تحت سرپرستی خود گرفت و سرای سالمندان را به‌طور رسمی در این‌جا تأسیس کرد.»

حالا البته ۱۵ سالمند زن و مرد در این مجموعه زندگی می‌کنند، درحالی که عضو انجمن خیریه بانوان ارامنه تهران می‌گوید: «ظرفیت ۱۸ نفر را در این مرکز داریم اما نمی‌خواهیم فضا برای آنها تنگ شود. اتاق مردان در حیاط پشتی است و محل استراحت زنان در حیاط جلویی. البته فرهنگ ما طوری نیست که مشکلی از این لحاظ داشته باشیم و حتی دو نفر از سالمندان مردی که حالشان زیاد هم خوب نیست در این قسمت نگه داشته می‌شوند تا بتوانیم رسیدگی بیشتری به وضعیت آنها داشته باشیم. ۹۰درصد افرادی که این‌جا هستند خانواده ندارند، اگر هم خانواده‌ای داشته باشند آنها را از خانه و زندگی خود طرد کرده‌اند و به این‌جا آورده‌اند. اما نکته ناراحت‌کننده این است که اتفاقا وضعیت روحی کسانی که هیچ‌کس و کاری ندارند، خیلی بهتر از افرادی است که فامیل یا فرزندی دارند چون گروه دوم اغلب وقتی به یادشان می‌آید که عزیزانشان رهایشان کرده‌اند و به دیدارشان نمی‌آیند، غمگین‌تر و افسرده‌تر می‌شوند.»

زرگریان تأیید می‌کند که بسیاری از کسانی که در این سراها زندگی می‌کنند، دچار بیماری پیری‌اند، همان آلزایمر: «تقریبا بیشتر آدم‌ها در سنین بالا دچار فراموشی یا آلزایمر می‌شوند و سالمندان این‌جا هم همین‌طور هستند. تقریبا همه علایم آن را کم و زیاد دارند اما این علایم در ۳ نفر از آنها خیلی شدید است.»

به گفته او «بعضی از این سالمندان با وضعیت بسیار بدی به این‌جا آمده‌اند و اگر حال آنها را در زمان آمدن به این جا مشاهده می‌کردید، متوجه می‌شدید که حالا چقدر بهتر شده‌اند. چند روز قبل که مراسم شکرگزاری کلیسای گئورگ برگزار شد، اقوام دور یکی از همین سالمندان وقتی او را دیدند اصلا باور نمی‌کردند او همان آدم دیروز باشد.»

کلیسای گئورگ که در حیاطی با این مرکز شریک شده است هم برای خود تاریخچه مفصلی دارد. این کلیسا یکی از قدیمی‌ترین کلیساهای تهران است و تاریخ ساخت آن به سال‌های ۱۱۵۳ تا ۱۱۶۹ هجری شمسی پس از مهاجرت ارمنی‌های جلفای اصفهان و تبریز به این محله برمی‌گردد و در سال ۱۳۵۷ نیز به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران ثبت شده است. در سال ۹۳ ساختمان نما نم کشید و برخی از تعمیرات در آن انجام شد که حالا هم آثار آن در حیاط پشتی دیده می‌شود. همچنین دو برج ناقوس در ضلع جنوبی کلیسا وجود دارد و سنگ قبرهای متعددی هم در دیوار بیرونی آن و دیوارهای کلیسا دیده می‌شود؛ ازجمله سنگ قبر معلم مدرسه ارامنه هایگازیان به نام هوسپ گاسپاریان، میکاییل مارکاریان، بنیانگذار انجمن دوستداران علم و دانش، الله‌وردی‌خان از امرای ارتش قاجار و فرزندش هاروتون از نظامیان عصر قاجار، امیر تومان میرزا ماردیروس داوید خانیان، رئیس ستاد بریگاد قزاق و فرمانده گارد سلطنتی دربار قاجار دیده می‌شود.

دبیر شورایعالی انقلاب فرهنگی پرده از ماجرای مهاجرت دانشگاهیان برداشت

دوپینگ علمی کشورهای همسایه با جذب استادان ایرانی

حبیبی، رئیس اسبق دانشگاه علامه طباطبایی: مشکلات مالی اساتید زیاد است و از لحاظ فرهنگی برخی محدودیت‌ها اساتید را تشویق به مهاجرت می‌کند

شهروند| درحالی که از ابتدای روی کار آمدن دولت تدبیر و امید، تلاش برای بازگرداندن نخبگان ایرانی که در سال‌های گذشته از کشور خارج شده‌اند، آغاز شده و آمارهایی از موفقیت در این زمینه هم منتشر شده اما درجلسه این هفته ستاد راهبردی اجرای نقشه جامع علمی کشور، خبر تازه‌ای مبنی بر مهاجرت برخی اساتید ایرانی به کشورهای همسایه مطرح شده است.

درجلسه هفته جاری ستاد راهبردی اجرای نقشه جامع علمی کشور که روز سه‌شنبه برگزار شد، «محمدرضا مخبر دزفولی»، دبیر شورایعالی انقلاب فرهنگی از مطالعات این شورا درباره مهاجرت اساتید ایرانی سخن گفت: «براساس یک طرح جامع مطالعاتی که در دبیرخانه شورایعالی انقلاب فرهنگی تهیه شده است، برخی از کشورهای همسایه با سرمایه‌گذاری‌های کلان درحال دوپینگ علمی برای افزایش سرعت رشد علمی خود هستند.»

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران با اشاره به تلاش برخی از این کشورها برای پیشرفت علمی به برنامه آنها برای جذب اساتید باسابقه ایرانی اشاره کرد و گفت: «درهمین راستا جذب اساتید نخبه کشورمان در دستور کار قرار گرفته و با پیشنهادهای اغواکننده مالی تعدادی از این افراد هم جذب کشورهای هدف شده‌اند. به‌عنوان مثال، یکی از اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران با حقوق ماهانه بیش از ۵۰میلیون تومان به یکی از این کشورها مهاجرت کرده است.» دبیر شورایعالی انقلاب فرهنگی با اشاره به لزوم برنامه‌ریزی ملی به منظور جلوگیری از این روند، گفت: «باید همه مسئولان کشور وارد میدان حفظ سرمایه علمی کشور شوند.»

آمارهای رسمی خبر از مهاجرت درصد بالایی از پزشکان می‌دهد، موضوعی که با توجه به نیاز برخی مناطق کشور به متخصصان پزشکی، می‌تواند در سال‌های آینده تبدیل به یک معضل شود. مخبر دزفولی درصحبت‌های خود به این موضوع هم اشاره می‌کند و از لزوم توجه جدی به این مسأله سخن می‌گوید: «درحوزه علوم پزشکی باید تلاش بیشتری برای حفظ نخبگان صورت گیرد.»

روند بازگشت نخبگان به کشور چگونه است؟

پیش از این و در آخرین روز مردادماه سال‌جاری، «سورنا ستاری» معاون علمی و فناوری ریاست‌جمهوری از بازگشت روزانه یک نفر از متخصصان و فارغ‌التحصیلان ایرانی به کشور سخن گفت: «از طریق پلتفرم طراحی‌شده توسط بنیاد ملی نخبگان برای فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های برتر دنیا، توانسته‌ایم فارغ‌التحصیلان ایرانی را دوباره به بازگشت و همکاری به کشور ترغیب کنیم و درحال حاضر روزی یک نفر از این طریق به ایران برمی‌گردد که امیدوار هستیم با درنظر گرفتن تسهیلات بیشتر بتوانیم این عدد را افزایش دهیم. البته این پلتفرم برای ۴۰۰ دانشگاه برتر دنیا درنظر گرفته شده است؛ اما فارغ‌التحصیلان برگشتی بیشتر از ۲۰۰ دانشگاه هستند که همین رقم کم نیز به‌دلیل کیفیت بالای آنها برای ما خوب است اما باید به فکر افزایش آن باشیم.»

علاوه بر این «حسن روحانی» رئیس‌جمهوری ایران هم تیرماه سال‌جاری و در دیدار ضیافت افطار با جوانان و دانشجویان به روند معکوس مهاجرت اشاره کرد و گفت: «با شرایطی که در کشور طی دوسال گذشته حاکم شده، سیر معکوس بازگشت نخبگان به کشور آغاز شده است. به‌گونه‌ای که در ماه‌های گذشته ۲۰۰ نخبه که حدود ۵۰نفر آنان در ۱۰ دانشگاه برتر دنیا تحصیل کرده‌اند، به کشور بازگشته‌اند که این به معنای آن است که امیدبار دیگر در کشور شکوفه زده است.»

سخنان ریاست‌جمهوری و معاون علمی و فناوری او، حکایت از عزم جدی دولت برای بازگشت نخبگان به کشور دارد اما در این بین با تلاش کشورهای همسایه برای جذب اساتید باسابقه ایرانی چه باید کرد؟ «نجف‌قلی حبیبی» که ریاست دانشگاه علامه طباطبایی را در فواصل سال‌های ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۴ برعهده داشت، دراین‌باره به «شهروند» می‌گوید: «تا جایی که من اطلاع دارم، از خیلی وقت پیش کشورهای همسایه چنین برنامه‌ای را طراحی کردند و برخی اساتید به کشورهای منطقه مهاجرت می‌کردند؛ از لحاظ مالی هم هزینه زیادی برای این کار تدارک دیده‌اند و این می‌تواند زمینه را برای خروج اساتید ایرانی فراهم کند.» این عضو هیأت علمی دانشگاه دلیل اصلی این مهاجرت‌ها را مسائل فرهنگی و مالی می‌داند و درباره شیوه مقابله با این مهاجرت هم می‌گوید: «باید اینجا شرایط مناسب برای نخبگان فراهم شود، مشکلات مالی اساتید در این کشور زیاد است و از لحاظ فرهنگی نیز برخی محدودیت‌های نابجا وجود دارد که برخی از این اساتید را تشویق به مهاجرت می‌کند؛ مثلا در دانشگاه‌ها، کرسی آزاداندیشی برگزار می‌شود و دانشجویان تا اندازه‌ای حرف‌های خود را بیان می‌کنند اما اساتید اجازه صحبت‌کردن درباره خیلی مسائل و مشکلات را ندارند.»

حبیبی معتقد است که باید شأن نخبگان در کشور حفظ شود و برخی سخت‌گیری‌های فرهنگی درباره آنها برداشته شود: «اساتید ما برای ارتقا، نیاز به نمره فرهنگی دارند، استادی که متشرع و متدین است، بعد از سالیان زیادی تدریس، باید کلاس و دوره ضیافت اندیشه را بگذراند تا ارتقای علمی پیدا کند و به نظر من چنین مواردی ضرورت ندارند.»

این مدرس دانشگاه به مهاجرت پزشکان هم اشاره می‌کند و معتقد است که «با توجه به نیاز داخلی و هزینه‌های صورت گرفته، نباید به راحتی این سرمایه‌ها را از دست داد؛ هرچند که باید توجه کرد زمینه‌سازی برای حفظ نخبگان تنها جنبه مالی ندارد.»

براساس موارد مطرح‌شده درجلسه این هفته ستاد راهبردی اجرای نقشه جامع علمی کشور، به نظر می‌آید بحث مهاجرت اساتید ایرانی به کشورهای همسایه، موضوع جدی و مهمی است؛ نهادهای قانون‌گذار و تصمیم‌گیر چه برنامه‌ای برای متوقف‌کردن این موج دارند؟ «میرحمایت میرزاده»، سخنگوی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی درباره تصمیمات مجلس برای مقابله با خروج نخبگان به «شهروند» می‌گوید: «در این سه‌ماهه‌ای که ازعمر مجلس دهم می‌گذرد، درباره این موضوع بحث نشده است؛ چراکه برنامه ششم توسعه مورد بحث و بررسی بود ولی به شخصه معتقدم که بخشی از روند مهاجرت به کشورهای همسایه طبیعی است؛ چراکه ما در سال‌های گذشته نیازهای جامع کشور را درنظر نگرفتیم و دانشجویان زیادی بدون برنامه جامع آموزشی به دانشگاه رفتند و اکنون با سیل فارغ‌التحصیلان روبه‌رو هستیم. این به معنای فرار مغزها نیست و زمانی پزشکان زیادی از هند و بنگلادش به‌واسطه نیاز ما وارد کشور شدند.»

او در ادامه از لزوم ایجاد شرایط مناسب در مناطق محروم برای حضور و فعالیت نخبگان سخن می‌گوید: «ما باید در کشور زمینه را برای استفاده از توان بازنشستگان و مدرسان باسابقه فراهم کنیم. درصد زیادی از کسانی که از کشور خارج می‌شوند، بازنشستگان دانشگاه‌های کشور هستند. علاوه بر این در سال‌های گذشته موج خروج پزشکان از کشور هم افزایش یافته و این درحالی است که دربسیاری از مناطق محروم کشور نیاز ضروری به متخصصان پزشکی درهمه رشته‌ها وجود دارد (این موضوع درحوزه انتخابیه من هم به شدت دیده می‌شود). بنابراین تا زمانی که شرایط مناسب را فعالیت این متخصصان در مناطق محروم ایجاد نکنیم، این مهاجرت‌ها ادامه خواهد یافت.»

در سال‌های گذشته بسیاری از مسئولان کشور، خروج نخبگان را یک معضل دانستند و از لزوم توقف این روند سخن گفتند. مطابق آمار صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰هزار نفر از ایرانیان تحصیلکرده برای خروج از کشور اقدام می‌کنند و ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور درحال توسعه و توسعه‌نیافته جهان مقام اول را از آن خود کرده است.

روی خط خبر

نایب رئیس کمیته ملی پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت عنوان کرد:

وضعیت ایران در ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر نامطلوب است

شهروند| نایب رئیس کمیته ملی پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیر واگیر، وضعیت ایران از نظر میزان ابتلا به بیماری‌های غیر واگیر و مزمن را در منطقه و جهان نامطلوب توصیف کرد و گفت: «طبق هدف‌گذاری ما باید مرگ و میر سنین کمتر از ۷۰ سال تا ۲۵ درصد کاهش پیدا کند.»

محمدباقر لاریجانی در همایش معاونان بهداشتی دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور که صبح دیروز در وزارت بهداشت برگزار شد، توضیح داد: «در ایران سن ابتلا به بیماری‌های قلب و عروق بسیار پایین است. سرطان، دیابت، بیماری‌های قلبی - عروقی و تنفسی چهار هدف عمده ما در مبارزه با بیماری‌های غیرواگیر هستند که ۸۲ درصد از علل مرگ و میر در ایران به علت ابتلا به این چهار بیماری است. اگر این موارد اصلاح شوند، سیستم بهداشتی ما نیز می‌تواند با بیماری‌های دیگر مبارزه کند.»

او کاهش مرگ کودکان را منجر به افزایش جمعیت و در نتیجه اهمیت بیماری‌های غیر واگیر عنوان کرد و افزود: «در سال ۱۹۹۰ همه نقاط کشور از لحاظ مرگ و میر کودکان قرمز بود، اما امروز وضعیت مطلوبی داریم. در عین حال وضعیت ایران در تمام بیماری‌های غیر واگیر بالاتر از حد متوسط دنیاست و نسبت به برخی کشورهای منطقه نیز جالب نیست.»

لاریجانی با بیان اینکه وضعیت ایران از نظر ابتلا به بیماری‌های قلبی و عروقی در منطقه مطلوب نیست، گفت: «در حال حاضر نرخ دیابت رو به افزایش است. همچنین سالانه ۱۶ هزار مرگ به علت حوادث ترافیکی رخ می‌دهد و ما افراد جوان زیادی را از دست می‌دهیم. در کشور ۱۰۰۰ نقطه حادثه‌خیز وجود دارد که برای پیشگیری از این تعداد مرگ و میر در سال باید به آنها رسیدگی شود.»

نایب رئیس کمیته ملی پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیر واگیر به توافق میان دو وزارتخانه بهداشت و راه و شهرسازی برای کاهش موارد مرگ و میر ناشی از حوادث ترافیکی اشاره کرد و گفت: «ما جزو کشورهایی هستیم که نرخ حوادث جاده‌ای در آن بسیار بالاست. در همین راستا نقشه‌ای از نرخ این حوادث در کشور تهیه کردیم و امیدواریم نمونه استانی آن هم به معاونان بهداشت استان‌ها ارایه شود.»

معاون وزیر بهداشت خبر داد:

اجرای بسیج ملی «خطرسنجی سکته و سرطان» به‌زودی

شهروند| معاون بهداشت وزارت بهداشت از اجرای «بسیج ملی خطرسنجی سکته قلبی، مغزی و سرطان» در هفته‌های آتی خبر داد. علی‌اکبر سیاری در همایش معاونان بهداشت دانشگاه‌های علوم پزشکی سراسر کشور با اشاره به برنامه ملی پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیرواگیر در ایران گفت: «طبق آمار سازمان بهداشت جهانی، ایران ۸۰درصد جمعیت کشور را تحت پوشش همگانی سلامت قرار داده است. یکی از اهداف مهم طرح تحول نظام سلامت نیز رساندن این رقم به ۹۰درصد است.» او افزود: «امروز ۹۹درصد از زایمان‌های کشور توسط افراد دوره‌دیده انجام می‌شود. همچنین ۹۰درصد جمعیت تحت پوشش همگانی بیمه قرار گرفته‌اند و وضع تغذیه نیز تا ۹۰درصد بهبود یافته است.»

معاون بهداشت وزارت بهداشت همچنین از کاهش نرخ مرگ زودرس، مرگ مادر و نوزاد هنگام زایمان، بهبود وضع بیماری‌های عفونی گرمسیری و قابل کنترل با واکسن و کمبود فقر آهن در زنان باردار خبر داد.

به گفته او، با توجه به غنی‌سازی آرد با آهن از سال ۱۳۷۶ نرخ فقر آهن در زنان باردار امروز به ۱۴درصد رسیده است.

به گزارش ایسنا، سیاری در ادامه صحبت‌های خود به ادغام برنامه ژنتیک اجتماعی در سند پیشگیری و کنترل بیماری‌های غیرواگیر اشاره کرد و گفت: «تا امروز از تولد ۱۰هزار نوزاد مبتلا به تالاسمی ماژور جلوگیری شده است، همچنین ۸۰۰هزار زوج از آغاز اجرای این برنامه غربالگری شده‌اند. در برنامه ژنتیک اجتماعی ۱,۵میلیون نوزاد غربالگری شدند و سیستم پیشرفته‌ای در زمینه تشخیص ژنتیک راه‌اندازی شده است.»

معاون وزیر بهداشت بیماری‌های مزمن و غیرواگیر را یکی از چالش‌های مهم نظام سلامت کشور عنوان کرد و افزود: «بیماری‌های مزمن عامل مرگ ۳۸میلیون نفر در دنیا است. ۷۶درصد موارد مرگ‌ومیر در ایران نیز به علت ابتلا به این بیماری‌ها اتفاق می‌افتد. طبق آمارهای رسمی ۱۷,۵میلیون نفر در جهان به علت ابتلا به سکته قلبی، ۸,۳میلیون نفر به علت ابتلا به سرطان و ۱,۵میلیون نفر به دلیل مبتلا شدن به بیماری دیابت در سال فوت می‌کنند.